

لَمْ يُعْجِزْكَ إِذْ طَلَبْتَهَا وَ لَمْ تَمْتَنِعْ عَلَيْكَ إِذْ أَرَدْتَهَا، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ
مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَ ذِي أَنَاةٍ لَا يُعْجَلُ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ
اجْعَلْنِي لِأَنْعَمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَ لِأَلَا تَكَ مِنَ الدَّاكِرِينَ.^۱

الهی چه بسیار امور ناپسندی که چون ابرهای متراکم درآمده بود، ولی تو
آن‌ها را برطرف نمودی. و چه بسیار نعمت‌هایی که از آسمان بر من فرو
باریدی، و جویبارهای کرامتی که جاری کردی و چشمه‌های حوادث
(ناگوار)ی که خشک نمودی، و نهال رحمتی که نشر دادی، و سپر عافیتی که
(بر تن ما) پوشاندی، و گرداب‌های گرفتاری که بر طرف ساختی، و امور
جاری که مقدر کردی، چون هر یک را خواستی از قدرت و توان تو خارج
نبوده و هیچ کدام از اراده‌ی تو سرپیچی نکردند. پس سپاس تو را سزااست
ای توانای شکست‌ناپذیر و بردبار بی‌شتاب، بر محمد و آل محمد درود
بفرست و مرا از شکرگزاران نعمت‌هایت و از یادکنندگان الطاف خود قرار بده.

در عبارات فوق، حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام با تذکر دادن به بعضی از
نعمت‌های الهی، ما را نسبت به لزوم شکر، متنبه ساخته‌اند. هر انسان عاقلی که متذکر
به این الطاف الهی شود، خود را نسبت به مُنعم خویش مدیون یافته، به نور عقلش
می‌یابد که باید شکرگزار او باشد.

در این دعا امام علیه السلام، صرفاً با اتکاء به دلیل نقلی و از روی تعبّد محض نفرموده‌اند که
بندگان باید شکر خدا را به جا آورند، وگرنه مستحقّ عذاب دردناک می‌شوند. بلکه
به گونه‌ای به نعمت‌ها و الطاف پروردگار تذکر داده‌اند که هر انسان عاقلی، در درجه‌ی
اول، معرفت بالاتری نسبت به نعمت پیدا می‌کند و سپس به حکم عقل خویش، متنبه
می‌شود که به جا آوردن شکر این مُنعم، واجب است و اگر نسبت به این وظیفه‌ی خود
کوتاهی کند، جا دارد که مورد اعتراض قرار گیرد.

بعد از این که شناخت نعمت نصیب فرد شد، باید از خدا بخواهد که او را در انجام
وظیفه‌ی شکرگزاری یاری کند و این درسی است که عملاً از دعای امام هفتم علیه السلام گرفته

فصل اول: اهمیت شکر پروردگار * ۳۳

می شود. ایشان پس از هر قسمتی که متذکر به نعمت های خدا شده اند، از خدا خواسته اند که به برکت محمد و آل محمد علیهم السلام ایشان را از شکرگزاران قرار دهد. این خیلی مهم است که انسان نسبت به نعمت هایی که خدا بر او ارزانی کرده، غفلت نداشته باشد و با تذکر و توجه به الطاف الهی، شکر آن ها را بر خود واجب و لازم ببیند. اگر انسان به لطف خدا و راهنمایی و دستگیری اهل بیت علیهم السلام در زمره ی شاکرین قرار نگیرد، در حقیقت ایمانش کامل نمی شود؛ چرا که شکر، جزء تفکیک ناپذیر ایمان می باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

الْإِيمَانُ نِصْفَانٍ: نِصْفٌ فِي الصَّبْرِ وَ نِصْفٌ فِي الشُّكْرِ^۱

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ایمان به دو نیمه تقسیم می شود: نیمی از آن در صبر و نیم دیگر در شکر است.

البته می دانیم که صبر «عند البلاء» و شکر «عند الرخاء» می باشد؛ یعنی در سختی ها باید صبر کرد^۲ و در آسودگی ها باید شاکر بود.

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا - عَنْ أَبِيهِ عليه السلام - قَالَ: رُفِعَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ قَوْمٌ فِي بَعْضِ غَزَوَاتِهِ، فَقَالَ: مَنْ الْقَوْمُ؟ فَقَالُوا: مُؤْمِنُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: وَ مَا بَلَغَ مِنْ إِيْمَانِكُمْ؟ قَالُوا: الصَّبْرُ عِنْدَ الْبَلَاءِ وَ الشُّكْرُ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: حُلَمَاءُ عُلَمَاءٍ كَادُوا مِنَ الْفِقْهِ أَنْ يَكُونُوا أَنْبِيَاءً.^۳

امام رضا علیه السلام فرمودند: گروهی در یکی از جنگ های رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خدمت ایشان رسیدند. حضرت فرمودند: این ها چه کسانی هستند؟ به حضرت

۱ - بحار الانوار / ج ۷۷ / ص ۱۵۱ / ح ۹۹.

۲ - قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ: صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَنِ الْمُعْصِيَةِ... (اصول کافی / کتاب الایمان و الکفر / باب الصبر / ح ۱۵). پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: صبر بر سه قسم است: صبر در هنگام مصیبت، صبر بر طاعت، و صبر نسبت به گناه. بنابراین برای این که شخص در زمره ی صابرین قرار گیرد، در مقابل معاصی باید به گونه ای جلوی خودش را بگیرد، و هم چنین در انجام واجبات استقامت داشته باشد، و در بلایا خودنگهدار باشد.

۳ - اصول کافی / کتاب الایمان و الکفر / باب خصال المؤمن / ح ۴.



گفتند: این‌ها مؤمنانند. حضرت سؤال فرمودند که شما ایمان تان به چه درجه‌ای رسیده است؟ عرضه داشتند صبر در هنگام بلا و مصیبت، و شکر در وقت راحتی و آسودگی (آرامش و آسایش خاطر) و رضا به قضای خدا. حضرت فرمودند: این‌ها دانشمندانی بردبار هستند که به خاطر فهم عمیق خود چیزی نمانده که به پیغمبران برسند.^۱

اهمیت شکر به اندازه‌ای است که نصف ایمان فرد را می‌سازد و اگر مورد بی‌توجهی قرار گیرد، ایمان فرد کامل نمی‌شود و سرپیچی از ادای شکر مُنعم، گناهی نابخشودنی به حساب می‌آید. امام جواد علیه السلام فرموده‌اند:

نِعْمَةٌ لَا تُشْكِرُ كَسِيئَةً لَا تُعْفَرُ.^۲

نعمتی که شکرش گزارده نشود، مانند گناهی است که بخشوده نشود. کفران یک نعمت، مانند گناه نابخشوده است، از این جهت که خداوند در هر دو مورد، حجت خویش را بر بنده تمام کرده و جایی برای عذر آوردن او باقی نگذاشته است.

امام صادق علیه السلام نیز در تذکر به این مطلب می‌فرماید:

مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَ لِلَّهِ عَلَيْهِ حُجَّةٌ: إِمَّا فِي ذَنْبٍ اقْتَرَفَهُ وَ إِمَّا فِي نِعْمَةٍ قَصَرَ عَنْ شُكْرِهَا.^۳

هیچ بنده‌ای نیست مگر این‌که خدا را بر او حجتی است: یا در مورد گناهی که انجام داده و یا نعمتی که در اداء شکرش کوتاهی کرده است.

وقتی انسان بفهمد که عملی گناه است، حجت بر او تمام می‌شود؛ زیرا خدا به او فهم و درک تشخیص گناه را داده و وجوب ترک معصیت را هم به عنایت الهی می‌داند. بنابراین اگر آن گناه را مرتکب شود، خدای عز و جلّ دلیل قاطع و بُرنده‌ای دارد که

۱ - البته توجه داریم که مقام «اصطفاء» و «عصمت» انبیاء، چیزی نیست که کسی بتواند با انجام عبادت به آن نائل شود. این‌جا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله صرفاً حالات صبر و شکر و رضای ایشان را ستوده‌اند و از این جهت آن‌ها را نزدیک به انبیاء دانسته‌اند.

۲ - بحارالانوار / ج ۷۸ / ص ۳۶۵ / ح ۵.

۳ - بحارالانوار / ج ۷۱ / ص ۴۶ / ح ۵۵.

می تواند او را - به حَقّ - مؤاخذه و عقاب نماید.

این مطلب در باب کوتاهی از شکر نعمت نیز صدق می کند؛ چرا که خداوند با اعطای عقل، لزوم شکر منعم را به بندگان خویش فهمانده است. علاوه بر این پیامبران و امامان علیهم السلام نیز انسان ها را نسبت به حکم عقل خود تَبَّه داده اند. بنابراین خدای سبحان، از هر جهت، حجت را بر انسانِ عاقل تمام کرده است.

پس کسی که از این وظیفه ی عقلی و شرعی کوتاهی کند، عذر و بهانه ای در پیشگاه الهی ندارد. از طرفی ترک شکر نعمت، خود معصیت است. چه گناهی بزرگ تر از این که انسان، مُنعم خود را بشناسد، ولی انکار نموده، کفران بورزد؟! در این صورت، چه بسا خدا نعمت های خود را از بنده سلب کند و نعمتی را که - بدون هیچ استحقاقی - به او عطا فرموده، به جهت عقوبت گناه کفران، از او دریغ نماید.

پس با توجه به اهمّیت شکر مُنعم و عواقب سرپیچی از آن، باید آیات و روایات را بررسی کنیم، تا معنای دقیق شکر و مراتب انجام آن کاملاً روشن شود.



<https://entezarschool.ir>



@entezar_school